

### نمایش برگ‌هایی از شاهنامه دوره تیموری در آستانه شب یلدا

نمایشگاهی از آثار هنرهای تجسمی به مناسبت شب یلدا با نمایش برگ‌هایی از شاهنامه دوره تیموری در حال برگزاری است.

ح جشن دانشی و کهن چله از دربار از در میان ایرانیان مرسوم بوده و هست و همه ساله با شکوه بسیار در میان خانواده‌های ایرانی برپا می‌شود. پشوتانه برگزاری چنین رویدادی ریشه در فرهنگ اشتغال کشاورزی، خانواده‌دوستی و شکرگزاری ایرانیان دارد و حفظ این میراث ناملموس بویژه تاریخچه و اهمیت برگزاری این رویداد تمدنی ایرانی محسوس از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

شب یلدا سنت قدیمی ایرانی و آیین مهر و دوستی است و نگارخانه ترانه باران در پاسداشت شب چله به عنوان میراث ناملموس که در فهرست یونسکو ثبت شده با شرکت در مراسمی به مناسبت یلدا، در صدد برگزاری نمایشگاهی از آثار قدمايي گنجینه خود برآمد. در این نمایشگاه چند برگ از شاهنامه دوره تیموری در کنار آثاری قدمايي گنجینه نگارخانه ترانه باران به نمایش گذاشته شده است.

هدف از برگزاری این نمایشگاه افزایش آگاهی جامعه درباره جایگاه هنرهای تجسمی بویژه خط و خوشنویسی در پهنه تاریخ کهن ایران و اشناع فرهنگ عمومی شب یلدا به عنوان میراث ناملموس است.

### معرفی داوران مسابقه کار تون «همواره تهران»



بهمن عبیدی، بهرام عظیمی و محمدعلی خلجی به‌عنوان داوران مسابقه هنری کارتون «همواره تهران» که قرار است با هدف بهره‌گیری از نگاه خلاقانه هنرمندان در شناسایی و حل مسائل شهری و در راستای احترام به حقوق شهروندی و ارتقای کیفیت زندگی شهری برگزار شود، معرفی شدند.

مسابقه ملی کارتون «همواره تهران» به‌دبیری جمال رحمتی در حوزه کارتون فراخوان داده است و به موضوعاتی در ارتباط با اسفالت خیابان‌ها و معابر شهر و تأثیر آن بر زندگی شهری می‌پردازد. جایزه بزرگ این مسابقه ۴۰ میلیون تومان است و به ۶ نفر برگزیده دیگر، هر نفر ۱۰ میلیون تومان تعلق خواهد گرفت. مهلت ارسال آثار ۱۰ دی ۱۴۰۳ و معرفی برگزیدگان و افتتاح نمایشگاه ۳۰ دی ۱۴۰۳ در نظر گرفته شده است.

### خبرهای جدید از سریال «زازیل» حسن فتحی

در جدیدترین جلسه شورای صدور مجوز انتشار ساترا، ۲ سریال جدید بررسی شدند؛ یکی از آنها سریالی است که بزودی توسط نماوا منتشر خواهد شد و دیگری برنامه جدیدی است که فیلم‌نت قصد تولید آن را دارد. ابتدا حسن فتحی با سریال جدید خود برای دریافت مجوز انتشار به جلسه آمد. سریال «زازیل» تازه‌ترین اثر اوست که پرینساز ایزدیار در کنار دیگر بازیگران شناخته‌شده با ایفای نقش می‌پردازد. قرار است این سریال در هفته‌های آتی از نماوا پخش شود. فتحی به عنوان کارگردان و حسن خاندادی در مقام تهیه‌کننده در جلسه حضور داشتند و به‌گفته برخی اعضای شورا، تعامل خوب در حوزه محتوایی اتفاق افتاد و مقرر شد مجوز انتشار سریال با اعمال برخی اصلاحات جزئی صادر شود. داستان این سریال در فضایی رازآلود و معمایی می‌گذرد.

اما از طرف دیگر یک اثر غیرنمایشی هم در جلسه شورای صدور مجوز انتشار مطرح شد. تهیه‌کننده، کارگردان و میزبان آن، محمدرضا علیمردانی بود. او به همراه نماینده فیلم‌نت به جلسه آمد و توانست با توضیح نظر و اسامیر برنامه جدید خود با عنوان انجمن اشباح، فضا کلی و مثبت اکثریت اعضای شورای صدور مجوز را جلب کند.

### مرور آثار «ایننگمار برگمان» در سینما تک خانه هنرمندان



نمایش و تحلیل آثار برگزیده داستانی، مستند و فیلم‌تئاترهای «ایننگمار برگمان» با عنوان «مور زمستانی» دی ۱۴۰۳ در خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. در این سلسله برنامه یک ماهه، مستندهای برگمان روزهای یکشنبه، فیلم‌های داستانی برگمان در روزهای دوشنبه و فیلم‌تئاترهای روزهای برگمان چهارشنبه هر هفته در دی ۱۴۰۳ به نمایش درخواهد آمد و پس از نمایش آثار، نشست نقد و بررسی آن با حضور کارشناسان و منتقدان برگزار می‌شود.

فیلم‌تئاترهای «تصویرسازان»، «بعد از تمرین»، «مادام دو ساد»، «یک بازی رویایی»، «مستندهای «سندفارو»، «لیو و ایننگمار»، «در جست‌وجوی برگمان» و «تجاوز به برگمان» و فیلم‌های سینمایی «ساراباند»، «فریادها و نجواها»، «پرسونا» و «سونات پاییزی» در این برنامه با اطلاع‌رسانی قبلی روی پرده خواهد رفت.

### تأملی بر بیانات رهبر انقلاب درباره جاذبه انقلاب اسلامی

## شور مداوم

مهرداد احمدی: مستند جاذبه

که به مرور دیدار آیت‌الله خامنه‌ای با خانواده مدافعان حرم اختصاص داشت، علاوه بر حلاوت‌ها و جذایب‌های بصری، حاوی یک نکته مهم و اندیشه‌برانگیز هم بود که اتفاقا خود شخص رهبری در مقاطع گوناگون مستند که به لحاظ زمانی هم در سال‌های متفاوتی فیلمبرداری شده بود، بر آن تاکید داشتند؛ امتداد شور انقلاب. وقتی برای بار نخستین این تعبیر را از زبان ایشان شنیدیم به نظر آمد می‌توان انقلاب اسلامی را از همین زاویه با انقلاب‌های فرانسه و حتی شوروی هم مقایسه کرد که دیدیم در مقاطع پایانی فیلم خود ایشان گذرا به آن اشاره کردند. انقلاب حاصل یک اراده جمعی از سوی جماعتی تاریخی است. اگرچه بنای تفصیل این معنا را ندارم اما ناگزیرم برای ایضاح چیزی که می‌خواهم بگویم قدری در این مورد بنویسم. انقلاب ماهیتا با اسقاط یک نظام سیاسی یا شخص اول دستگاه حکومتی متفاوت است. در اسقاط نظام، دستگاه حکومت با یک دستگاه حکومت دیگری عوض می‌شود. در اسقاط یا براندازی، حال عمومی جامعه یا افق پیش روی آن تحولی نمی‌یابد، از این رو براندازی یک حکومت عملی تاریخی نیست. یعنی کاری نیست که بتوان آن را مبدأ نوشدگی زمان دانست و گفت با ورود به دوران پسافلاتی - حاکم سابق - حال افق‌های تازه‌ای فراروی ما گشوده می‌شود. بنا به اینکه براندازی عملی تاریخی نیست، مستحضر به اراده تاریخی هم نیست. اراده تاریخی همان سرجمع اراده افراد یک اجتماع نیست، یعنی اینطور نیست که اگر اراده افراد یک جامعه همگی با هم در یک راستا قرار بگیرند، آن اراده بدل به اراده تاریخی یک ملت شود. مجموع اراده‌ها یا همان معدل کلی اراده مردم، در نهایت می‌تواند منتج به براندازی شود. تازه در اینجا هم باز می‌توان ان‌قلتها آورد، مخصوصاً در زمانه کنونی که با رسانهای شدن نسبت ما با جهان، اراده همیشه در شکلی از تعین بیرونی قرار دارد و به قول کانت خودآیین نیست. انقلاب اما به معنای دگرگونی در حال عمومی یک جماعت است. انقلاب اگرچه به نو شدن حکومت می‌انجامد اما این تنها سطحی‌ترین نتیجه یک انقلاب است. انقلاب، لحظه‌ای است که جهان را در کلیت می‌خواهد نو کند. برای همین انقلاب چون اسامی مفهومی تاریخی است، پس الزاما از دست یک اراده تاریخی برمی‌آید. اراده تاریخی است که به انقلاب تاریخی می‌انجامد. اراده تاریخی یعنی آن خودآگاهی ویژه‌ای که در یک لحظه تاریخی و در یک آن، میان گذشته و آینده یک شکاف ایجاد می‌کند. این شکاف اگرچه به لحاظ صوری زمان حال است اما ماهیتا یک لحظه در عداد دیگر لحظات نیست. یعنی لحظه‌ای که خودآگاهی بدل به عمل می‌شود و زمان را در عمل خودش نو می‌کند، یک بازه است، این همان بازه انقلاب است و افرادی که درون



شور انقلابی بدل به عقلانیت ابزاری حکومت‌داری می‌شود. انقلاب اسلامی از این زاویه جایگاه ویژه‌ای دارد. این انقلاب هنوز فضایی برای تنفس امر انقلابی دارد، نه تنها در داخل که حتی از زاویه دید آن می‌توان انقلاب در جهان را هم فهمید. در واقع تاکید رهبر انقلاب بر اینکه انقلاب اسلامی جاذبه خود را حفظ و شور خود را دوام داده به این معناست

که هنوز «حال» انقلاب که حاصل فروپشته شدن خود اید پد انقلاب است، باقی مانده و هر کس بتواند از آن هم‌نوا شود یا خود را در بسامد این حالی وجودی قرار دهد، به فضا و ساحت زمان انقلابی وارد می‌شود. مجاهدت و شهادت از این رو عمیقاً کارکرد سیاسی و هستی‌شناختی پیدا می‌کند که نشان می‌دهد هنوز «زمان انقلاب» به پایان نرسیده است.

### درباره فیلم «گوبلز و پیشوا» که مخاطب را به یاد بزک‌های رسانه‌های جنایتکاران جنگی امروز انداخت شبیه‌ترین هیتلر به نتانیا هو

رژیم صهیونیستی است و از این جهت نمایش فیلم «گوبلز و پیشوا» در این شرایط بین‌المللی، اگرچه با هدف‌گیری سیاست داخلی اروپا ساخته شده بود اما می‌تواند عوارض جانبی دیگری در پی داشته باشد که مهم‌ترین‌شان یادآوری ناخودآگاه این هیتلر امروزی است. برای همین سیستم رسانه‌های جریان اصلی، به «فواگر و پیشوا» چندان خوشبین نبود و از این فیلم حمایت خاصی نداد. این فیلم در فستیوال برلیناله نمایش داده شد اما نصیب خاصی از فصل جوایز نداشت. در چهل‌ویکمین جشنواره فیلم مونخ هم فقط تماشاگران بودند که به «فواگر و پیشوا» توجه کردند و باعث شدند جایزه بهترین فیلم از نگاه مخاطبان به کارگردانش برسد. تمام بازآفرینی‌های گوبلز روی پرده سینما هیچ دایره‌المعارفی نمی‌تواند به‌طور دقیق بشمارد که از ۸۰ سال پیش تا به حال چندین فیلم درباره جنگ دوم جهانی و علیه ارتش نازی‌ها ساخته شده و چند بار بازیگران مختلف نقش آدولف هیتلر یا مقامات رده‌بالای حزب نازی را بازی کرده‌اند. حتی در ایران که نازی‌ها یک گلوله هم به سمتش شلیک نکردند و در عوض به دست ارتش متفقین اشغال شد، هیتلر در ۲ فیلم سینمایی با تصویری منفی و شرور نمایش داده شد (سمفونی نهم و جنگ سوم جهانی). اما بعد از خود هیتلر، از بین باقی سران حزب نازی هم هیچ شخصیتی را نمی‌شود پیدا کرد که به‌اندازه جوزف گوبلز چهره‌اش در سینما بازسازی شده باشد و این فیلم‌ها چه آمریکایی بوده باشند و چه آلمانی، به هر حال فقط بازیگران آلمانی نقش گوبلز را بازی کرده‌اند. پاول جوزف گوبلز، وزیر اطلاع‌رسانی رایش سوم از ۱۹۳۳ که تا آخرین لحظه زندگی‌اش به هیتلر وفادار بود و بعد از ورود ارتش سرخ شوروی به برلین، در ۴۷ سالگی خودکشی کرد، به نوعی پایه‌گذار شیوه مدرن پروپاگاندا به حساب می‌آید و شخصیت مرموز و کنجکاوکننده‌ی داشت. تا حالا تعداد زیادی از هنرپیشه‌های سینما و تلویزیون نقش گوبلز را بازی کرده‌اند که البته اکثر این موارد مختصر و دورنما بوده و از هاله اسرار آمیز این شخصیت رده‌نمان است.

تنها هنرپیشه‌ای که نقش جوزف گوبلز را وقتی که خودش هنوز زنده بود بازی کرد، مارتین کلاستلک بود. کلاستلک سال ۱۹۳۹ میلادی در فیلم آمریکایی «اعترافات جاسوس نازی» به

نازی، از هیتلر نشان افتخار دریافت می‌کنند، بازبینی کنید ناگهان چشمش در گوشه‌ای از تصویر به دستان پیشوا می‌افتد که در حال لرزیدن است و از جا می‌پرد و دستور بیرون کشیدن این نما را از فیلم می‌دهد و حتی هنگام چر و بحث با یکی از زیردستانش که می‌گوید این لرزش واقعی است، تأکید می‌کند «دست پیشوا هرگز نمی‌لرزد» یعنی آنچه اهمیت دارد، خود واقعیت نیست، بلکه چیزی است که ما صلاح می‌دانیم مردم ببینند.

در تمام مطالبی که به زبان آلمانی درباره این فیلم نوشته شده، اشاره‌هایی به این وجود دارد که «فواگر و پیشوا» در واکنش به قدرت گرفتن احزاب پوپولیست راست‌گرا در آلمان و باقی اروپا تولید شده است. به عبارتی آنها این فیلم را ساختند تا هیتلر یک استثنا به حساب نیاید و معلوم شود فرق چندانی با لیدرهای راست افراطی در دوره معاصر ندارد. نمایش چهاردهی از هیتلر که او را همان‌هایی خود ایلوس نشان می‌داد و لاقل ۸۰ سال ادامه داشت، به مرور کاری کرده که تطبیق او با معادل‌های امروزی‌اش برای عموم مردم، از جمله اروپایی‌ها سخت باشد و حالا تولیدکنندگان این فیلم خواسته‌اند با نزدیک شدن به هیتلر و نمایش یک چهره زمینی از او، کاری کنند مخاطب اروپایی بتواند بین پیشوا و راست‌های امروزی به این‌همانی برسد. با همه این اوصاف فیلم با گارد بسته‌ای از طرف رسانه‌های جریان غالب در بلوک غرب مواجه شد که دلایل این برخورد سرد و منفی، خودش می‌تواند راهنمای جالبی برای فهم دنیای رسانه در عصر حاضر باشد. رسانه‌های جریان اصلی با این فیلم برخورد خوبی نکردند و حتی‌الامکان آن را نادیده گرفتند، چون داشت چیزی را نشان می‌داد که از نظر مخاطبش معلوم نبود امروز کاملاً بساطش جمع شده باشد و افواگرهای رسانه‌ی و روتوش کردن جنگ و تجاوز، لاقل در این زمانه چیزی نیست که مخاطب را فقط به یاد وزیر تبلیغات حزب نازی بیندازد. وقتی گوبلز را نشان دادید که نتوانسته هیتلر را یک فاتح صلح‌طلب و مقتدر نشان دهد، ذهن مخاطب ناخودآگاه می‌تواند گوبلز‌های امروزی را در سال‌های ۲۰۲۳، ۲۰۲۴، ۲۰۲۵ سراغ بگیرد که این بار نه علیه یهودی‌ها بلکه علیه بخش دیگری از مردم دنیا به همان شکل رفتار می‌کنند. به‌طور واضح، نخستین گزینه‌ای که برای همانندسازی با هیتلر در روزگار ما به ذهن هر کس می‌رسد، بنیامین نتانیا هو، نخست‌وزیر

